مقدمه ای بر نقش مربی در تربیت اخلاقی (1)

**درآمد**

مشتاقان کمال معنوی و اخلاقی، در معرض این گزاره مشهور قرار می گیرند که برای حرکت معنوی به یک استاد کارآزموده بصیر نیاز است. این گزاره، دغدغه ذهنی شدیدی برای آنان ایجاد می کند که باید به صورتی روشمند، روشن، گویا و به موقع پاسخ داده شود.

این مطالبه، اثباتاً و نفیاً به پاسخ نیاز دارد؛ اثباتاً برای همه مشتاقان که بتوانند اصل ضرورت مربی، نوع این نیاز و کیفیت و زمان مراجعه به استاد را بدانند و نفیاً برای این که مدعیان دروغین و کم بضاعت و شیادان را بشناسند، تا این نیاز مورد سوء استفاده قرار نگیرد. برخی برای جلوگیری از این آفات، اصل نیاز به استاد را انکار کرده اند و برخی نیز اهمیت و ضرورت نقش مربی در تربیت اخلاقی را منتفی دانسته اند.

بررسی ها نشان می دهد تحقیق شایسته مستقلی در این زمینه صورت نگرفته و اثر جامعی در این باره نوشته نشده است. افزون بر این، توجه به کتمان و رازداری در پرداختن به این موضوع، فضای تحقیق را ناهموار و نوعی رازآلودگی مقدس را بر آن تحمیل کرده است. این ویژگی، برخلاف تحریک کنجکاوی و هوشیاری افراد، این موضوع را از معرض بررسی های عالمانه خارج ساخته و به برخورد سلیقه ای و غیر قابل اعتماد مبتلا کرده است.

**مهم ترین پرسش ها و چالش ها**

چالش ها و پرسش هایی که این نوشتار در صدد پرده برداری از آن ها است فراوان می باشد. بی شک این مختصر، توان رمزگشایی از همه آنان را ندارد و نمی تواند مدعی حل همه آنان باشد. برای آن که مخاطب این نوشتار از ابتدا با این دغدغه ها آشنا باشد، پاره ای از این ابهام ها و چالش ها را برمی شماریم؛

\* آیا تربیت اخلاقی و پیمودن مقامات معنوی به مربی نیاز دارد؟

\* آیا اصول کلی هدایت که در کتاب و سنّت آمده است، برای پیمودن این راه کافی نیست، یا رهروان این راه هر یک به تناسب استعداد و روحیه خود، به یک مربی نیاز دارند که در تشخیص جزئیات به آن ها کمک کند؟

\* اگر مراجعه به استاد لازم است، آیا لزوم آن در حدی است که بدون مربی، امیدی به نجات نیست، یا مربی فقط نقش تسریع در رشد را دارد؟

\* یک مربی شایسته، علاوه بر تهذیب نفس، چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

\* آیا طالب مشتاق باید به سراغ استاد برود یا طبق سنت هدایت الهی، استاد سراغ او می آید؟

 \* اگر پی گیری از مربی، دست کم در مرحله خاصی، یک وظیفه اخلاقی است، چگونه باید او را شناسایی و انتخاب کرد؟

\* یک مربی اخلاق چه شؤون و کارکردهایی دارد؟

\* آیا همه شؤون و نقش های مربی را یک نفر به عهده می گیرد، یا می توان تصور کرد مربی، برخی از این نقش ها را به غیر خودش واگذار کند؟

\* چه مناسبتی بین مربی اخلاق و روان شناس یا مشاوران روان درمان وجود دارد و برای هر یک چه جایگاهی باید در نظر گرفت؟ آیا می توان از نوآوری ها و تحقیقات گسترده ای که در روان شناسی و مشاوره انجام شده است، در بحث مربی و استاد اخلاق نیز استفاده کرد؟

**مفاهیم بحث**

پیش از پرداختن به پرسش های بالا، لازم است مفاهیم بنیادین بحث را تبیین کنیم. این مفاهیم عبارت اند از: اخلاق، تربیت اخلاقی و مربی.

**اخلاق**

دانش اخلاق، به بیان اوصاف ارزشی افعال و صفات اختیاری، اختصاص دارد. هر گزاره اخلاقی از موضوع و محمولی تشکیل شده است. موضوع گزاره اخلاقی، امری اختیاری است؛ زیرا ارزش اخلاقی مبتنی بر اختیار است و بدون فرض اختیار، امکان داوری اخلاقی وجود ندارد. محمول گزاره اخلاقی هم یکی از این چهار زوج مفاهیم ارزش گذار است: خوب و بد، درست و نادرست، باید و نباید، حق و وظیفه. 1

**تربیت اخـلاقی**

«تربیت اخلاقی» فرایند درونی سازی ارزش های اخلاقی و شکل گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی های انسان کامل است. «تربیت اخلاقی» مسیر گذار از وضعیت موجود (دامنه ای که مبدأ حرکت انسان است) به سوی قله کمال را باز می کند و آدمی را آن گونه راه می برد، تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش نقش کند. «تربیت اخلاقی» تحقّق عینی همه آموزه هایی است که «دانش اخلاق» بدان فرا می خواند. می توان گفت «اخلاق» مقصد و غایت حرکت انسان را بازگو می کند؛ در حالی که «تربیت اخلاقی» الگو و قاعده این تحول و قواعد حرکت انسان بدان سو را بیان می کند. به تعبیر دیگر، اخلاق، پرسش از ماهیت ارزش ها و تربیت، پرسش از کیفیتِ دست یابی بدان را پاسخ می گوید. 2

**مـربی**

مربی، عامل انسانی تربیت به شمار می رود که با اختیار و اراده و به صورتی آگاهانه در رشد و ارتقای شخصیت دیگران تأثیر می گذارد و بستر به سازی آن را فراهم می آورد. با این تعریف، حوادث و مشکلات زندگی که برای رشد انسان ضروری است، به معنای حقیقی، مربی انسان به شمار نمی آید. همچنین اقداماتی که بدون علم و اراده، به رشد و کمال انسان می انجامد، اقدام تربیتی محسوب نمی شود.

**امکان تربیت اخلاقی**

در امکان تربیت اخلاقی، سخنان متفاوتی گفته شده است. برخی، تغییر صورت باطنی انسان را مانند تغییر صورت ظاهری او، غیرممکن دانسته و برای اثبات ادعای خود به تغییرناپذیری انسان ها در شرایط خاص اشاره کرده اند. برخی، مانند فروید و روانکاوانِ تابع او، ظرف تحول شخصیت انسان را تنها چند سال آغاز کودکی شناخته اند. این ادعا، مستلزم بی فایده بودن تعلیم و تربیت، امر و نهی، بعثت انبیا، تنبیه و تشویق، پاداش و کیفر و باطل دانستن شریعت، دیانت و تمام برنامه های تربیتی انبیا و کتاب های آسمانی است.

در این نوشته، تحول پذیری انسان، اصل موضوع فرض شده است و درباره آن بحثی نمی شود. البته این سخن به معنای امکان تحول همه ویژگی ها برای همگان، در همه شرایط و سنین نیست.

**اهداف تربیت اخلاقی معنـوی (دورنمایی از مقصد رشد)**

اهداف تربیت را برای آشنایی بیشتر با دغدغه های مربی و تلاش های او، بیان می کنیم. ذکر نمونه های ملموس به جای بیان امور کلان (مانند رشد و کمال و سعادت) به مخاطب کمک می کند از فضای انتزاعی و دیریاب مباحث بیرون آید و از نزدیک با عرصه کار تربیتی مواجه شود. با این مقدمه، ارزش های اخلاقی را به چهار حوزه اخلاق بندگی، فردی، اجتماعی و خانوادگی تقسیم کرده و نمونه هایی از هر یک را برمی شماریم.

در حوزه اخلاق بندگی، تلاش های مربی معطوف به چنین غایاتی است: ایمان و معرفت در وجود متربی تقویت شود. از خدا بترسد و به او امیدوار باشد. متربی به عبادت انس پیدا کند. بر خدا توکل و به او توجه کند. از او درخواست و تقاضا کند و تنها از او کمک خواهد و. ..

در حوزه اخلاق فردی، متربی باید شخصی منظم و آراسته باشد. برای زندگی خود برنامه داشته باشد. بر خود مسلط باشد و بتواند هیجانات خود را مدیریت کند. بسیار امیدوار، زرنگ، پرکار و پرنشاط باشد. هدفمند و آرمان گرا باشد. به دنبال رشد باشد و روز به روز در حیات انسانی پیشرفت کند. بتواند به خوبی تصمیم بگیرد و. ..

در حوزه اخلاق اجتماعی، مربی تلاش می کند متربی را به چنین افقی برساند که به حقوق دیگران احترام بگذارد و برابر حضور دیگران واکنش شایسته نشان دهد. خود را برتر از دیگران نبیند. برای دیگران خیر بخواهد. سعی کند گره از مشکلات دیگران باز کند. در ایفای نقش اجتماعی خود کارآمد، باعُرضه و خدوم باشد. برابر سرنوشت جامعه اسلامی حساس باشد و. ..

در حوزه اخلاق خانوادگی، برابر خانواده خود احساس مسؤولیت کند. مهربان باشد. در تربیت آنان بکوشد. برایشان وقت بگذارد و. ..

پس از این مراحل، مربی می کوشد معرفت متربی و ایمان او را افزایش دهد، تا با ذکر دائم و رابطه ویژه ای که با خدا برقرار می کند، به عوالم بالاتر راه یابد؛ یعنی با سیر و سلوک عرفانی، تا مشاهده توحید و تجلی ذاتی و فنا پیش رود.

**ماهیـت مربی**

مربی، اسم فاعل باب تفعیل از ماده «ربّ» به معنای رشد و نمو و زیادت است. مربی در لغت، به کسی گفته می شود که رشد و نمو دیگری را بر عهده داشته باشد و بر وجود او بیفزاید.3 این معنا شامل مربی در تربیت بدنی، تربیت ذهنی، تربیت اجتماعی و. .. می شود. در این بحث، مراد ما از مربی، مربی اخلاق و معنویت است؛ یعنی کسی که در ارتباط نزدیک با دیگری بتواند او را متحول کند، بار آورد و پای بندی اخلاقی یا بهره های معنوی را در وجود او بیفزاید.

در اصطلاح عرفان عملی، مراد از مربی، انسان وارسته ای است که در عمل به شریعت و دریافت های دینی و معنوی توانا باشد و مهارتی داشته باشد که جوینده کمال را در انتقال از عالم طبیعت به سوی خدا یاری دهد.

مربی یک مسؤولیت مرکب و پیچیده دارد. هم می آموزد، هم تذکر می دهد، هم نظارت و ارزیابی می کند، هم انگیزه می بخشد و هم همراهی می کند و خلاصه آن قدر تلاش می کند تا متربی را بار آورد؛ یعنی یک تغییر شخصیتی پایدار در وجود او پدید آورد.

**مربی، پژوهشگر، مدرس، مروج و مشاور**

در وادی اخلاق، تربیت و معنویت اسلامی، نیازها و شؤون متعددی به موازات هم وجود دارد که برای رفع آن ها باید به متخصصان کارآمد و متناسب مراجعه شود. گویا هیچ یک از این تخصص ها، جامعه اخلاقی را از دیگری بی نیاز نمی کند. حوزه علمیه باید عهده دار تربیت انسان هایی باشد که بتوانند این مأموریت ها را برعهده بگیرند و از پس ایفای این نقش ها به خوبی برآیند. این شؤون عبارت اند از:

1. پژوهشگر اخلاق: کسی که توان بیان علمی مسائل اخلاقی را در قالب گزاره های منسجم تخصصی داشته باشد و بتواند از ساحت مجهولات اخلاقی، بن بست شکنی و گره گشایی کند. پژوهشگر اخلاق، دانشمندی است که راه تخلق به اخلاق الهی را به صورت نظری و علمی کشف کند و توان دفاع از معارف اخلاقی را به زبان گویای علمی داشته باشد. باید توجه داشت هر انسان راه یافته متخلقی، الزاماً توان بیان علمی سرمایه های اخلاقی خود را ندارد؛ از این رو برای پرورش پژوهشگران و عالمان اخلاق، نیاز به پیمودن مسیر ویژه ای در کنار تربیت روحانی آن ها داریم. پژوهشگر اخلاق، علاوه بر آشنایی با میراث اخلاقی و توان بهره گیری از آن، باید با علوم پیرااخلاقی4 نیز آشنا باشد و از آن ها در زایندگی دانش اخلاق بهره گیرد.

2. مدرس اخلاق: مطلوب، این است که محققان اخلاق، هنر ارائه و انتقال را فراگیرند و خود به این مهم بپردازند؛ اما بی شک هر عالمی، معلم خوبی نیست. ممکن است کسی توان علمی بالایی داشته باشد؛ اما در مقام آموختن نتواند موفق عمل کند؛ از این رو علاوه بر پژوهشگران اخلاق، باید کسانی نیز باشند که در ارائه مباحث اخلاقی و انتقال آن به جامعه علمی، مهارت های لازم را کسب کرده باشند و عمده زمان و توان خود را به این مهم اختصاص دهند. مدرس اخلاق، در صدد انتقال مؤثر آخرین یافته های نظری دانش اخلاق به حلقه های تخصصی است و با توده مردم کاری ندارد. همچنین مخاطب اصلی مدرس، ذهن متعلم است و در مرحله اول، به جان و عمل او نظری ندارد؛ یعنی صرفاً ارتباط نظری با متعلم خود برقرار می کند. گویا عنوان استاد اخلاق، بیشتر با این شأن تناسب دارد و سزاوار است در این نقش خاص استعمال شود؛ گرچه امروزه این کلمه، بیشتر برای مربیان اخلاق استفاده می شود.

3. مروج یا مبلغ اخلاق: کسی که آموزه های عمومی تر دانش اخلاق را انتخاب کرده و متناسب با سطح عموم مردم به غیر متخصصان عرضه می کند. مروج می کوشد دستاوردهای علم اخلاق را درک کند و آن را به زبان مردم عادی ترجمه و روان سازی کند و در قالب های مؤثر و نافذ به آنان ارائه کند.

4. مشاور اخلاق: کسی که مشکلات اخلاقی تربیتی را بررسی کرده و تلاش می کند گزاره های کلان را در مصادیق خاص، تطبیق و به صورت موردی پیاده کند. مشاور اخلاق مرجع پاسخ گویی به مشکلات اشخاص و ارائه رهنمود متناسب به مُراجع است.

5. مربی اخلاق: کسی که توان تربیت عملی انسان ها را داشته باشد و بتواند متربی خود را گام به گام در سلوک اخلاقی و معنوی راهنمایی، دست گیری و راهبری کند. مربی اخلاق به صورت عملی و پیوسته با متربی خود ارتباط و از موقعیت و شرایط او اطلاع دارد و نسخه عملی ویژه ای با تطبیق کلیات علم اخلاق بر احوال شخصی او صادر می کند. مربی اخلاق، تنها در صدد پرکردن ذهن متربی خود نیست؛ بلکه می خواهد یک تحول واقعی در وجود او ایجاد کند و او را برای انجام عمل اخلاقیِ بدون تکلف، انگیزه مند سازد و ارزش های اخلاقی را برای او درونی و پایدار سازد. مربی اخلاق، کار مشاور اخلاق را انجام می دهد و علاوه بر آن متربی را در مسیر تحول اخلاقی تربیتی همراهی می کند.

از باب تشبیه، می توان به نظام بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اشاره کرد. در این نظام نیز دست کم پنج تخصص وجود دارد؛ گروه اول، دانشمندان پژوهشگر پزشکی در آزمایشگاه ها و مراکز تحقیقاتی به دنبال کشف داروهای جدید یا برای آسان سازی مسیر درمان تلاش می کنند. معمولاً این پژوهشگران با توده مردم سر و کار ندارند. گروه دوم، مدرسان و اساتید رشته پزشکی هستند که در دانشگاه ها آخرین یافته های آن پژوهشگران را به دانشجویان این رشته -یعنی به حلقه متخصصان- انتقال می دهند. گروه سوم، مروجان پزشکی هستند که آموزش عمومی مسائل بهداشتی درمانی را برای توده جامعه بر عهده دارند. گروه چهارم، پزشکانند که پس از جذب و دریافت آموزه های تخصصی در معرض مراجعه بیماران قرار دارند و به صورت بالینی، احوال بیماران را رسیدگی می کنند و آن آموزه ها را بر حال آنان تطبیق می کنند. پزشک خانواده نیز به وزان مربی اخلاق است که با راهنمایی و همراهی، نظارت و ارزیابی و انگیزش و دلداریِ مستمر، فرایند سلامت و درمان را تا نقطه نهایی دنبال می کند.5

پی نوشت ها:

1- بنا بر مبانی مختلف مذکور در کتب فلسفه اخلاق، ملاک و معیار این خوبی و بدی متفاوت است و بر اساس پیامد عمل، وظیفه، فضیلت یا قرارداد تعیین می شود (بر اساس یکی از چهار مکتب پیامد گرایی، وظیفه گرایی، فضیلت گرایی یا قراردادگرایی). به نظر ما اقتضا یا مانعیت یک امر اختیاری (عمل یا صفت) نسبت به سعادت انسان، ملاک خوبی یا بدی است.

2- در مباحث تربیتی، کاری به مصادیق خوب و بد نداریم و به مباحث اخلاقی یا فلسفه اخلاقی وارد نمی شویم. خوب ها و بدها، هنجارها و ناهنجارها و بایسته ها و نابایسته ها را از اخلاق به صورت اصل موضوع و پیش فرض دریافت می کنیم و هدفِ حرکت قرار می دهیم. پس از آن، علم تربیت، چگونگی دست یابی به آن اهداف را برمی رسد.

3- رَبا الشی ءُ یرْبُو رُبُوّاً و رِباءً: زاد و نما و أَرْبَیته: نَمَّیته (لسان العرب) الربا: الفضل و الزیاده، الربوه: المکان المرتفع، ربی الصغیر. .. نشأ، و یتعدّی بالتضعیف فیقال ربّیته- فتربّی. .. و التحقیق أنّ الأصل الواحد فی هذه المادّه: هو الانتفاخ مع زیاده بمعنی أن ینتفخ شی ء فی ذاته ثم یتحصّل له فضل و زیاده و مفهوم التربیه عامّ شامل لجمیع المراتب من حصول النشوء و النماء و الزیاده فی أی مرتبه و بأی مقدار و بأی کیفیه مادیه أو معنویه. (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج 4، ص37).

4- علوم پیرااخلاقی، دانش هایی مانند روان شناسی، فلسفه اخلاق، علوم تربیتی، آداب و عرفان عملی که تداخل، تعامل یا ارتباط نزدیک با اخلاق دارند. به بیان دیگر، علومی را که تأمین کننده مبانی اخلاق، یا ابزارهای مورد نیاز در علم اخلاق یا هدایتگر مدل رفتار یا مصرف کننده آموزه های اخلاقی به شمار می روند، علوم پیرا اخلاقی نامیده ایم.

5- به وزان این مسؤولیت های مهم، لازم است مراکز یا نهادهای آموزشی تربیتی متعدد برای تربیت این شخصیت ها و تأمین این نیازها وجود داشته باشد و برای هر یک اهتمام شایسته ای صورت گیرد. تأمین هر یک از اهداف فوق، لوازم و مقتضیات خاص خود را دارد و دوره های آموزشی عام خصوصا با محدودیت زمانی متعارف، ظرفیت و زمینه تأمین همه اهداف فوق را ندارد.

همچنین آثار و فراورده های اخلاقی تربیتی را نیز می توان در چند گروه رده بندی کرد که هر یک لحن، شیوه و ویژگی خاص خود را دارا است؛ آثار تحقیقی که در صدد شناسایی مجهولات و ابهام زدایی علمی از آن هستند، کتاب های درسی تخصصی، آثار ترویجی تبلیغی و فرهنگی که به دنبال انتقال آموزه های موجود اخلاقی به توده جامعه هستند و آثار کاربردی که در صدد تأثیرگذاری اخلاقی تربیتی بر مخاطب و تحول انسانی در او هستند. حضرت امام خمینی; در مقدمه کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل به این نیاز اخیر توجه ویژه کرده و می فرماید:

نویسنده را عقیده بر آن است که مهم در علم اخلاق و شرح احادیث مربوطه یا تفسیر آیات شریفه راجعه به آن، آن است که نویسنده با ابشار و تنذیر و موعظت و نصیحت و تذکر و یادآوری، هر یک از مقاصد خود را در نفوس جایگزین کند، و به عبارت دیگر، کتاب اخلاق، موعظه کتبیه باید باشد و خود معالجه کند دردها و عیب ها را؛ نه آن که راه علاج را نشان دهد. ریشه های اخلاق را فهماندن و راه علاج نشان دادن، یک نفر را به مقصد نزدیک نکند و یک قلب ظلمانی را نور ندهد و یک خلق فاسد را اصلاح ننماید. کتاب اخلاق، آن است که به مطالعه آن، نفس قاسی، نرم و غیر مهذّب، مهذّب و ظلمانی، نورانی شود و آن به آن است که عالم در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد و کتاب، خود دوای درد باشد، نه نسخه دوانما. طبیب روحانی، باید کلامش حکم دوا داشته باشد، نه حکم نسخه و این کتب مذکوره نسخه هستند نه دوا... (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 13).

[https://hawzah.net/fa/Magazine/View/6433/7684/96638/%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D9%86%D9%82%D8%B4-%D9%85%D8%B1%D8%A8%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82%DB%8C-(1)](https://hawzah.net/fa/Magazine/View/6433/7684/96638/%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D9%86%D9%82%D8%B4-%D9%85%D8%B1%D8%A8%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82%DB%8C-%281%29)